

خدا چون سلام به روی ماهت...

اراذل و اوباش

جلد ۲: مأموریت خیلی غیرممکن



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

اراذل و اوباش

مأموریت
خیلی غیر ممکن

آرن بلیبی
رژینا قوامی

سرشناسه: بلیبی، آرون Blabey, Aaron
عنوان و نام پدیدآور: مأموریت خیلی غیرممکن آرن بلیبی : مترجم رژیئا قوامی.
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۴۵ص:، مصور.
فروست: ارادل و اوباش.
شابک: دوره: ۵-۷۶-۰۰۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸-۹ : ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فینبا
یادداشت: عنوان اصلی: The Bad Guys, Mission unpluckable.
موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۰م.
موضوع: Children's stories, English -- 20th century
شناسه‌ی افزوده: قوامی، رژیئا، ۱۳۷۹ - مترجم
رده‌بندی کنگره: PZ۷ب۸۵۳م۲ ۱۳۹۶الف
رده‌بندی دیوینی: [ج]۱۴/۸۲۳
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۹۷۶۶۴۵



انتشارات پرتقال

ارادل و اوباش

جلد ۲: مأموریت خیلی غیرممکن

نویسنده: آرن بلیبی

مترجم: رژیئا قوامی

ویراستار: محمدهادی قوی‌پیشه

مدیر هنری نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: امین نصر

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / مهدیه عصارزاده - افسانه قربانی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹-۰۷۸-۰۰۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸-۹

نوبت چاپ: اول - ۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پروین

چاپ: کاج

صحافی: تیرگان

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porthaal.com



kids@porthaal.com

تقدیم به

معلم دلسوز و مهربانم، شهزاده کاندی

رقی





خبر فوری!

وحشت در پناهگاه سگ‌های گم‌شده!

با عرض پوزش به خاطر قطع کردن برنامه‌ی قبلی،
با پخش این خبر فوری
در خدمت شما هستیم.

تیفانی فلافت،

گزارشگر ما هم‌اکنون در صحنه حضور دارد.
تیفانی چه خبر؟



چاک ملون



ممنونم چاک!

خُب، امروز شاهد اتفاق‌های

تکان دهنده‌ای
در **پناهگاه سگ‌های گم‌شده** بودیم.

این طور که پیداست یک گروه

تبهکار دیوانه

به‌زور وارد پناهگاه شده‌اند،

یکی از دیوارها را خراب کرده‌اند

و با یک ماشین مسابقه‌ای پُرسرو صدا

۲۰۰ هاپوی وحشت‌زده

را فراری داده‌اند.

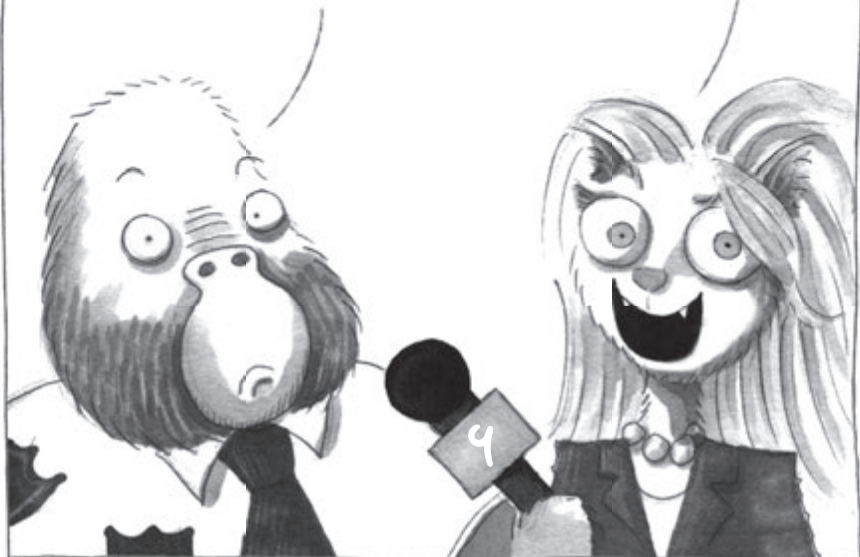
تیفانی فلافت



آقای گراهام بلانکر، سرپرست بخش امنیتی پناهگاه سگ‌ها
این جا در کنار من است.

آقای بلانکر، شما این **هیولاها** را چه‌طور توصیف می‌کنید؟

ایمم... خُب... همه‌ی ماجرا
توی یک چشم‌به‌هم‌زدن اتفاق افتاد، اما...
مطمئنم چهار نفر بودند...



۶
اخبار



فیلم اختصاصی

یکی شان **گرگ** بود.
شک ندارم.

یک گرگ با قیافه‌ی بدجنس
و دندان‌های تیز.



۶
اخبار



آیا این مار را دیده‌اید؟

یکی شان هم
مار بود.

یک مار خیلی زشت که
معلوم نبود چرا آن قدر
دست‌وپاچلفتی است...



۶
اخبار



بانوی زیبا یا کوسه‌ی قاتل؟

ویک
خانم جوان...



... یا شاید هم یک

کوسه‌ی غول پیکر

نمی‌شد درست تشخیص داد...

۶
اخبار



ساردین تندخوی سرگردان

آهان راستی،
یک جور ماهی
چندش آور و ریزه‌میزه
هم همراهشان بود.

شاید یک **ساردین**؛

مطمئن نیستم.



حُب آقای پلانکر، پس
طبق گفته‌های شما این تبهکارها...

خطرناک

به نظر می‌رسیدند؟

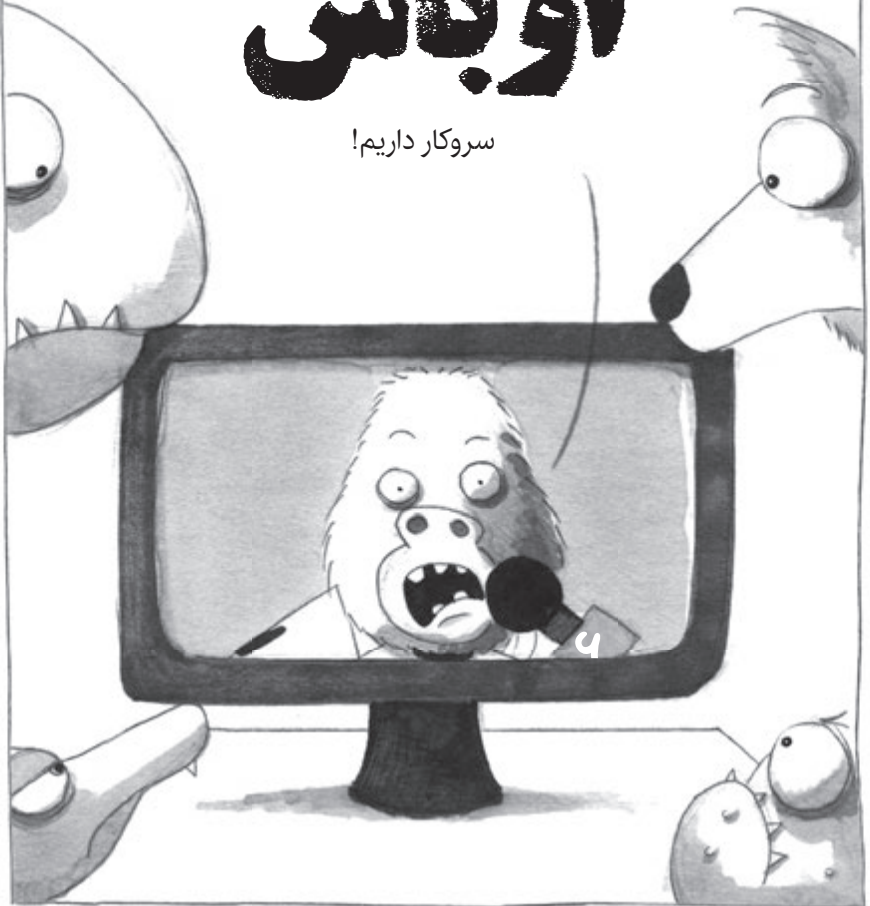
بله تیفانی، کاملاً
خطرناک بودند.

راستش، من که می‌گویم
ما با یک مُشت...



اراذل اوباش

سروکار داریم!



فصل ۱ .

خُب، بیا بید دوباره امتحان کنیم!



این یارو دارد درباره‌ی چی حرف می‌زند؟

ما هاپوها را **نجات** دادیم!

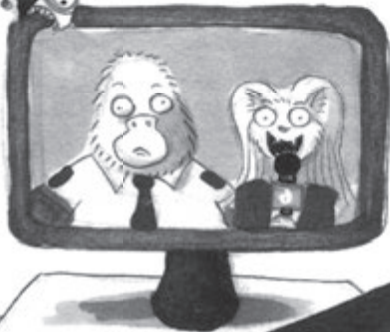
به این می‌گویید

عملیات نجات!

ناسلامتی ما خیلی **مثبت** هستیم!

برای آخرین بار می‌گوییم،
من ساردین **نیستم!**

من
پیرانا هستم!
خوت! خوت!
خوت!



جناب گرگ، می بینی که؟ هیچ کس **هیچ وقت**
باور نمی کند ما موجودات خوبی باشیم. من که قبل از
رسیدن پلیس ها از این جا می روم.



نخیر، شما جایی نمی روی آقای مار!
ما به این سادگی بیخیال نمی شویم.
تازه اول راه هستیم!



فراموش نکنید چه **حس خوبی** داشتید
وقتی سگ‌ها را نجات دادید!

الان فقط باید کاری کنیم که
همه **بینند** ما **قهرمان** هستیم!

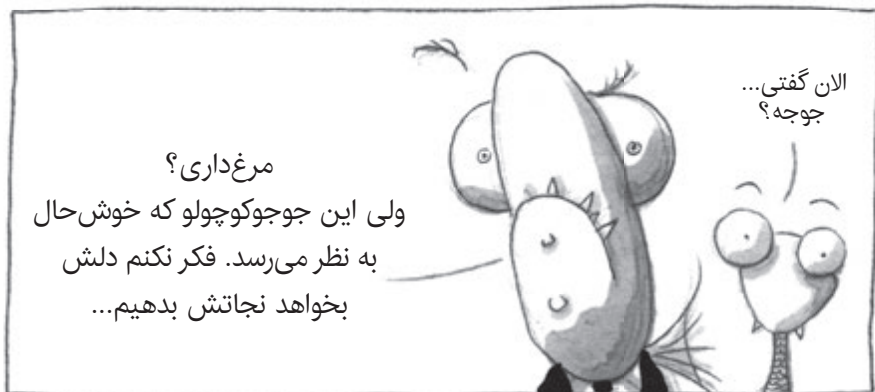
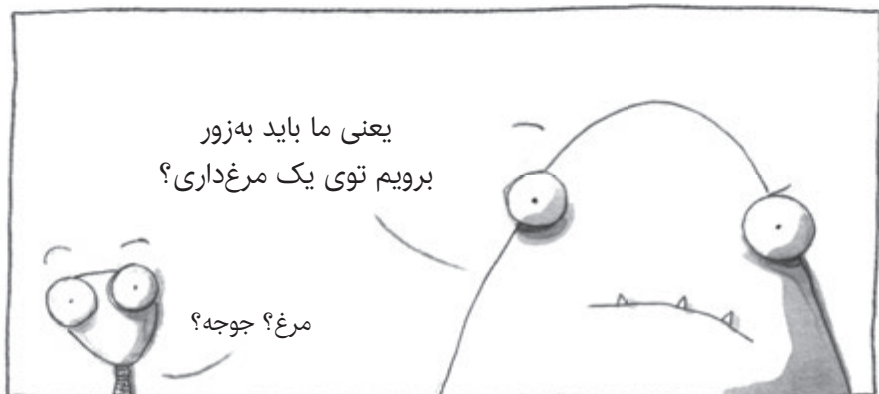
نقشه‌ی جدیدمان باید
آن قدر خفن باشد که
همه‌ی دنیا را شگفت‌زده کند!

چی توی سرت است
آقای گرگ؟



این!





خُب رفقا، پس بیایید یک نگاهی هم
به داخل مرغداری سانی‌ساید بیندازیم.

۱۰،۰۰۰ مرغ و جوجه!

چیپیده‌اند توی چندتا قفس **نُقلی!**

۲۴ ساعت شبانه‌روز!

نه رنگ آفتاب را می‌بینند.

نه یک‌دوره جا دارند که بازی کنند!

